

روز اعلام نتایج

یعدی الله

سوم شعبان

سوم شعبان

سوم شعبان که می‌شود همه دل‌شان هوای کربلا می‌کند. آخر روز میلاد امام حسین (علیه السلام) است. همان امامی که وقتی به دنیا آمد خدا به برکت او «فُتْرُس» ملک را عفو کرد و بال‌هایش را به او بخشید. همان امامی که وقتی باران نیامد او دعا کرد و خدا باران فرستاد و همان امامی که کشتی نجات او سریع‌تر است. همان امام... امامی که هر کس او را درست نشناخت از کربلایش جا ماند. یکی رفت با زن و بچه‌اش خداحافظی کند یکی کار داشت، یکی... یکی... پس: اولین گام انتظار امام‌شناسی است. باید امام حقی و حضرت را بشناسی تا خدای نکرده به هوای زن و بچه و خانه و کاشانه‌ات تنهات نگذاری. البته باید هم امام شناس باشی و هم هدف امام را درست بفهمی و البته تا دل ندهی کام نمی‌یابی. این گام اول باید بال‌های سوخته‌ات را باز پیدا کنی.

چهارم شعبان

حالا که امامت را شناختی باید برایش جان فشانی کنی. خیرخواه باش مثل حضرت ابوالفضل (علیه السلام). او هم شجاع بود هم قدرتمند و هم گوش به فرمان. وقتی امامش او را مسئول آب آوردن برای بچه‌ها کرد نگفت: من با این همه قدرت و رشادت بروم آب بیاورم؟! با ادب بود و با وفا. گوش به فرمان امام و دیگر هیچ.

پس دومین درس، ادب و گوش به فرمانی است.



۵

۱۵ شعبان

نیمه شعبان، روز اعلام نتایج است. روز رو سفیدی و خدای نکرده روسیاهی! روز اعلام نمرات درس‌های قبل. هر کس از کلاس امام‌شناسی سربلند بیرون آمده و با ادب در مقابل امام تسلیم شده، مثل آئینه همه، هر کس نگاهش کند می‌فهمد که شاگرد این کلاس بوده است و حالا ۱۵ شعبان است روز اعلام نتایج. خدایا یعنی نمره من چند است؟



۴

یازدهم شعبان

روز جوان. روز جوانمردی، روز زیبایی و نشاط. روز بصیرت و شعور؛ روز علی اکبر کربلا. روز علی اکبر امام حسین (علیه السلام). همان جوان و جوانمردی که همه را به یاد پیغمبر می‌انداخت، همه چیزش آئینه رفتار رسول الله بود. او سرباز امامش بود. یار امامش بود. نور چشم و دل امامش بود. آخر او همه چیزش، اخلاقش، حرف زندنش راه رفتنش همه مثل پیامبر بود. پس چهارمین درس کلاس انتظار شعبانیه، آئینه بودن و زلال بودن است. درس، نور چشم شدن. آن‌هم از راه شبیه‌تر شدن به رسول رحمت. یعنی دانشجوی کلاس انتظار باید درس آئینه شدن را با نمره خوب قبول شود تا در پایان انتظار مدال قبولی بگیرد. باید شبیه پیامبر مهربان بود. خوش کلام بود. خوش دل بود و خلاصه این که آئینه بود. درست مثل علی اکبر امام حسین (علیه السلام).

۳

پنج شعبان

می‌لاد پیامبر کربلاست. می‌لاد حضرت سجاد (علیه السلام) .. همو که شجاعتش از برادرش علی اکبر کمتر نبود و می‌توانست هم‌پای عموش عباس به میدان برود، ولی تسلیم قضای اهلی بود. اما و ولی و چون و چرا نداشت، وقتی تقدیر الهی را بر بیماری دید. وظیفه‌شناس بود، چه در حال عزم و چه در بند اسارت. او باید در میدان صبوری شهامت می‌ورزید. پس سومین درس، صبوری و پیام‌رسانی است.